

### ناهماهنگی شناختی / ادراک کنترل و ادراک کارایی

- ۱- عارفان معتقدند هستی یکی است و یک حقیقت دارد.
- ۲- نظریه ی اصالت وجود، راه را برای یافتن استدلال باز نمود.
- ۳- مفهوم وجود مشترک میان اشیاء است.

بعد از طرح « اصالت وجود » و « وحدت حقیقت وجود » یک سوال مهم باقی می ماند: اگر حقیقت یکی است، بالاخره این کثرت ها گرچه در همان حد موج و سایه باشد، از کجا نشات می گیرد؟

پاسخ این سوال را در اصل سوم فلسفه ی صدرایی پی می گیریم.

### ۳- مراتب داشتن وجود

این اصل تبیین دقیق تعدد و تکثر در عالم است. از نظر ملاصدرا با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. نکته: دو دسته مفاهیم داریم: یک دسته دارای درجه و شدت و ضعف هستند ( مفاهیم دارای تشکیک، مشکک ) ؛ مانند: نور، رنگ ها، صفات اخلاقی و ... و دسته ی دیگر مفاهیمی دارای درجه بندی و شدت و ضعف نیستند. مانند: میز، صندلی، انسان و ...

مفهوم وجود از نظر ملاصدرا از جمله مفاهیم دارای شدت و ضعف است.

بیان مطلب با یک تشبیه:

این حقیقت واحد، مانند یک کانون نور درخشان است که اشعه ی آن به میزانی که از کانون دور شود، ضعیف و ضعیف تر می شوند و همین اختلاف در شدت و ضعف سبب تمایز آنها از یک دیگر و پیدایش کثرت در آن می گردد.

آنچه گفته شد یعنی یک حقیقت به نام نور داریم که در مرتبه ای قوی و در مرتبه ای ضعیف است.

نور قوی از همان جهت که نور می باشد قوی است و نور ضعیف هم از همان جهت که نور است ضعیف می باشد.

چنین نیست که نور ضعیف با چیز دیگری مثلا تاریکی ترکیب شده و ضعیف شده باشد، زیرا اصولا تاریکی چیزی نیست، همان نبود نور است.

وجود نیز که حقیقت واحدی است که در تجلیات و ظهورهای خود دارای مراتبی است.

هر مرتبه ای از وجود به میزان درجه ی وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.

در هزاران جامه گوناگون شرابی بیش نیست      گرچه بسیارند انجم،  
آفتابی بیش نیست

گرچه برخیزد ز آب بحر، موجی بی شمار      کثرت اندر موج باشد، لیک  
آبی بیش نیست.

در فلسفه ی صدرایی «وجود» که محور فلسفه ی مشائی بود و « نور» که اساس فلسفه ی اشراقی بود به هم می رسند و یکی می شوند و یک معنا و هویت می یابند.

